

توسعه کشاورزی و تنگنای آن از دیدگاه برنامه و مسئولین

اشاره:

بخش کشاورزی عمده‌ترین مواد غذایی مورد نیاز انسان را تأمین می‌کند. تأمین غذا که از اولین مایحتاج انسانهاست، در بسیاری از کشورها هنوز با مشکل روبه‌روست. در ایران نیز بخش کشاورزی هنوز قادر نیست تمام نیاز بازار داخلی را تأمین کند و از این رو سالانه مقادیر معتناهی ارز برای واردات مواد غذایی صرف می‌شود.

با عنایت به این مسأله که استقلال اقتصادی به‌ویژه رسیدن به خودکفایی در تولید مواد غذایی، یکی از عوامل اصلی حفظ مبانی ارزشی و اعتقادی و نیز از بنیادی‌ترین ابزار برای تأمین استقلال سیاسی است، اتخاذ راهبردها و راهکارهای مناسب با توان و استعداد بخش کشاورزی برای توسعه این بخش و ایجاد امنیت غذایی، از حساس‌ترین مسایلی است که باید به آن توجه داشت.



در این مقاله توسعه بخش کشاورزی ایران در سال‌های اخیر، موانع و امکانات گسترش بخش، مورد نظر می‌باشد.

چارچوب روابط بین‌المللی کنونی، از حساس‌ترین وظایف دولت می‌باشد. استفاده از ظرفیت‌های موجود و بالا بردن توان تولید بخش کشاورزی برای کاهش وابستگی به بازارهای جهانی برای تأمین غذا، از مهمترین معیارهای تضمین‌کننده استقلال سیاسی و اقتصادی است. تقاضا برای محصولات کشاورزی با رشد جمعیت و بهبود درآمد افراد، روبه‌افزایش است. اما با روند کنونی که تقاضا برای محصولات کشاورزی را در ۲۰ سال آینده به دو برابر میزان فعلی می‌رساند، نمی‌توان به واردات این محصولات همچنان متکی بود، گذشته از آنکه به دلایل مختلف سیاسی - اقتصادی

نیازهای غذایی مردم می‌باشد و چرخ‌های تولید برخی صنایع را به گردش درمی‌آورد، سهم ناچیزی در سرمایه‌گذاری ملی دارد.

○ بخش کشاورزی حدود یک‌چهارم تولید ناخالص داخلی، یک‌سوم درآمد خالص از صادرات غیرنفتی و حدود یک‌چهارم اشتغال کشور را تأمین می‌کند و تولیدکننده بیش از ۸۰ درصد نیازهای غذایی مردم و مواد اولیه بخش صنعت است.

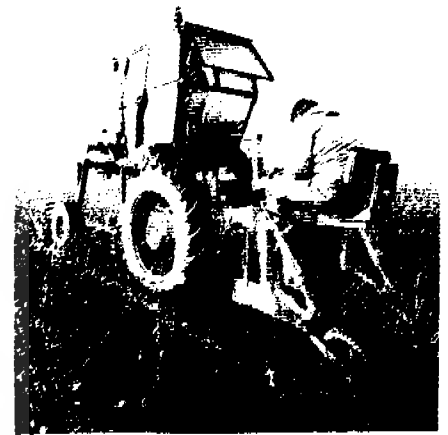
بدیهی است که تأمین مایحتاج غذایی مردم با اتکاء به منابع طبیعی، سرمایه‌ها و نیروی انسانی در دسترس، به‌ویژه در

روند توسعه بخش کشاورزی ایران از بخش کشاورزی در اقتصاد ایران از جایگاه والا و ویژه‌ای برخوردار است. وسعت اراضی قابل‌کشت، تنوع آب و هوایی، سهم قابل توجه جمعیت در مناطق روستایی و امکان تأمین نیروی انسانی فراوان و ارزان برای توسعه این بخش و امکانات در دسترس برای سرمایه‌گذاری، استعداد کشور برای توسعه کشاورزی را روشن می‌سازد.

بخش کشاورزی با وجود آنکه حدود یک‌چهارم تولید ناخالص داخلی، یک‌سوم درآمد ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی و حدود یک‌چهارم اشتغال در کشور را شامل می‌شود و تولیدکننده بیش از ۸۰ درصد

به صلاح کشور نیز نمی‌باشد.

رشد جمعیت و نیاز به غذا، وجود امکانات و استعداد های قابل توسعه در بخش ظرفیت‌های کشاورزی، ضرورت محرومیت‌زدایی از چهره روستاها و ایجاد عدالت اجتماعی سبب شد که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برنامه‌ریزان اقتصاد کشور، بخش کشاورزی را محور توسعه و قوه محرکه رشد اقتصاد، تشخیص دهند.



○ استفاده از ظرفیت‌های موجود برای بالا بردن توان تولید بخش کشاورزی و به‌منظور کاهش وابستگی به بازار جهانی مواد غذایی، از مهمترین معیارهای تضمین‌کننده استقلال سیاسی - اقتصادی است.

در دو برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، توجه به بخش کشاورزی و تخصیص منابع مورد نیاز آن، مدنظر دولتمردان بوده، اما آمار و ارقام موجود گواه بر آن است که سرمایه‌گذاری در این بخش روند کندی دارد.

میانگین رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی در نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (بر اساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی) به ۵/۹۵ درصد رسید

که اندکی از رشد مورد نظر در برنامه (به میزان ۶/۱ درصد) کمتر بود.

حجم سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی با ساختار کنونی، تنگناهای زیربنایی را تجربه می‌کند، اما از اهمیت ویژه برخوردار است و نقش کلیدی در روند توسعه این بخش و خودکفایی دارد.

روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخش کشاورزی در برنامه اول (با قیمت‌های ثابت سال ۶۱) حدود ۳۰ درصد رشد را نشان می‌دهد، در حالی که در دهه ۷۱-۱۳۶۱ با روند نزولی همراه بود و در مقایسه با بخش‌های صنعت و معدن (که در برنامه اول حدود ۳۰۰ درصد رشد داشتند) بسیار ناچیز می‌باشد.

○ با وجود آنکه در برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور، توسعه بخش کشاورزی محور توسعه و موتور محرکه رشد اقتصادی معرفی شده، لیکن آمار موجود نشان می‌دهد که روند سرمایه‌گذاری در این بخش کند می‌باشد.

بر اساس آمار منتشره از سوی وزارت کشاورزی، سرانه تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی (نسبت به شاغلان این بخش) در سال ۷۲ به ۲۹ هزار ریال (به قیمت‌های ثابت) رسید، در حالی که این رقم برای کل اقتصاد کشور ۱۴۳ هزار ریال بود و در واقع فقط یک پنجم رقم اخیر می‌باشد.

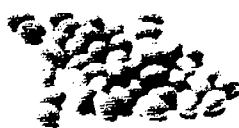
بخش کشاورزی که حدود ۲۷ درصد ارزش تولید ناخالص ملی (GNP) و حیاتی‌ترین محصولات مورد نیاز کشور را تأمین می‌کند، فقط از ۵/۲ درصد امکانات سرمایه‌ای منتفع شده است و سهم آن از تشکیل سرمایه در برنامه اول از سطح ۷/۳

به ۵/۲ درصد تنزل یافت.

با وجود آنکه در برنامه اول بودجه عمرانی دولت در امور اقتصادی بیش از ۳/۷ برابر شد، اعتبارات عمرانی بخش کشاورزی، رشد ناچیزی داشت و سهم آن در کل اعتبارات عمرانی امور اقتصادی از ۱۷/۵ درصد در ابتدای برنامه به ۱۴/۴ درصد در انتهای آن تنزل یافت.

بر اساس آمار موجود، تسهیلات اعطایی بانکها به بخش کشاورزی در سال ۷۲ به ۲۸۴۰ میلیارد ریال رسید، در حالی که میزان مورد پیش‌بینی برای آن در برنامه اول حدود ۷۵۰۰ میلیارد ریال بود. در واقع فقط ۲۱ درصد اعتبارات مورد نیاز کشاورزان در برنامه اول از سوی بانکها و منابع دیگر تأمین شد.

بر مبنای سیاست‌های پولی و مالی اتخاذ شده در دومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، چنانچه بخش کشاورزی بتواند ۲۵ درصد مانده تسهیلات اعتباری بانکها را جذب کند، فقط ۱۷/۶ درصد تقاضای بالقوه بهره‌برداران این بخش برای نیازهای جاری و سرمایه‌ای را تأمین کرده است.



گفته می‌شود که در شرایط کنونی مهمترین روش‌های جذب سرمایه برای بخش کشاورزی عبارتند از:

- ایجاد و گسترش بانک‌های سرمایه‌گذاری تخصصی در سطح ملی و بانک‌های توسعه‌ای در سطح منطقه برای تجاری کردن بخش کشاورزی و نیز ایجاد بانک‌های تعاونی و محلی که پاسخگوی نیاز مالی بخش سنتی کشاورزی باشد

○ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخش کشاورزی در برنامه اول حدود ۳۰ درصد رشد داشت، در حالی که این رشد برای بخش‌های صنعت و معدن بیش از ۳۰۰ درصد بود.

- ایجاد شبکه شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی اعتباری در سطح روستاها، شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها
- ایجاد مؤسسات مالی غیربانکی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری
- ورود به بورس اوراق بهادار تهران و عرضه سهام شرکت‌های تولیدی کشاورزی بخش دولتی
- علاوه بر این موارد، بخش کشاورزی ایران با موانع دیگری نیز روبه‌روست که مهمترین آن ضرورت نوین‌سازی فعالیت‌های کشاورزی، سرمایه‌گذاری زیربنایی، جلوگیری از حیف و میل محصولات کشاورزی و ... می‌باشند.

موانع و راهکارهای توسعه بخش کشاورزی

برای روشن شدن موانع بخش کشاورزی و راهکارهای لازم، در این مقاله با نقطه‌نظرات دکتر کلاتری وزیر کشاورزی آشنا می‌شویم.
وزیر کشاورزی درباره روند قیمت مواد

غذایی و ضرورت تأمین امنیت غذایی معتقد است که سیاست‌های تجاری و مسایل مربوط به تجارت محصولات غذایی در چارچوب سازمان تجارت جهانی (WTO) و کاهش یارانه‌های صادراتی سبب شده است که بهای محصولات کشاورزی در یک سال گذشته حدود ۵۰ درصد افزایش یابد که بایستی مسأله به دقت دنبال شود و برای آن چاره‌اندیشی گردد.

○ اگر در برنامه دوم ۲۵ درصد مانده تسهیلات اعتباری بانک‌ها به بخش کشاورزی اختصاص یابد، فقط ۱۷/۶ درصد تقاضای بالقوه بهره‌برداران این بخش برای تأمین نیازهای مالی جاری و سرمایه‌گذاری تأمین خواهد شد.

وی درباره موقعیت کشاورزی ایران می‌گوید: از نظر زیست‌محیطی، شیوه‌های کشاورزی در خیلی از نقاط ایران برای حفظ محیط زیست، صحیح نیست. متوسط میزان تبخیر آب در ایران بیشتر از دوهزار میلیمتر و متوسط بارندگی کمتر از دویست و پنجاه میلیمتر و از نوع بارندگی‌های وحشی در دنیاست و در خیلی از مناطق قابل استفاده نمی‌باشد. با این وصف تولید محصولات کشاورزی در ایران نسبت به کشورهای اروپایی و آمریکا با هزینه تمام‌شده بیشتری، صورت می‌گیرد. وی می‌گوید: هزینه تأمین آب کشاورزی، تقریباً ۵۰ درصد هزینه تولید را تشکیل می‌دهد. کشاورزی در برخی مناطق جنوب شرقی و مرکز کشور به معنای جنگ با طبیعت است و از نظر محیط زیست نیز ممکن است در آینده، مورد بازخواست واقع شویم. با کم شدن آب،

غلظت نمک در آب بیشتر می‌شود. تاکنون حدود ۱۷۰۰ هکتار از باغ‌های چهارم و چند شهر دیگر سوخته است. در این مناطق به دلیل شوری خاک، حتی گیاهان رویشی در حال از بین رفتن می‌باشند که به محیط زیست لطمه می‌زند.

وی درباره موانع سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی می‌گوید: نامشروع جلوه نمودن مالکیت بر زمین تحت تأثیر تبلیغات و اقتصادی نبودن تولید بخش کشاورزی، سبب شده که علاقه به سرمایه‌گذاری در این بخش به وجود نیاید. سیاست‌های اقتصادی سال‌های پس از پیروزی انقلاب نیز ضد تولید و به نفع مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی، حاکم بوده است. نداشتن امنیت سرمایه‌گذاری و اقتصادی نبودن تولید، عمده‌ترین مشکلات کشاورزی ایران بودند.

○ از نظر زیست‌محیطی، کشاورزی در خیلی از نقاط کشور صحیح نیست. تاکنون ۱۷۰۰ هکتار از باغ‌های چهارم و دیگر مناطق سوخته است و به دلیل شوری خاک حتی پوشش گیاهی در این مناطق در حال از بین رفتن است.

وی می‌افزاید: در برنامه اول تلاش برای اقتصادی کردن تولید کشاورزی و امنیت سرمایه‌گذاری در این بخش صورت گرفت. باید گفت که بررسی قیمت‌های واقعی تمام‌شده محصولات کشاورزی ایران و مقایسه آن با بهای این محصولات در بازارهای بین‌المللی نشان داده است که تولید و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بازده مناسبی دارد. با واقعی شدن قیمت‌های محصولات کشاورزی، اکنون رونقی در کشاورزی دهقانی ایران به وجود آمده است و موضوع عدم امنیت نیز

مواد غذایی و اتلاف این مواد می‌گوید: با رعایت الگوی صحیح مصرف، رساندن روزانه ۲۳۰۰ کیلوکالری به هر فرد ضرورت دارد. اما در ایران با وجود تأمین ۳۹۰۰ کیلوکالری به‌طور متوسط برای هر فرد (از طریق تولید داخلی و واردات) در رساندن عاجز هستیم. سیستم توزیع، نگهداری، حمل‌ونقل، بسته‌بندی و نیز الگوی مصرف مواد غذایی در ایران درست نیست.

○ سالانه ۵ تا ۷ میلیارد دلار ریزش اضافی در بخش کشاورزی وجود دارد، در حالی که ارزش تولیدات داخلی و واردات این محصولات به‌حدود ۳۰ میلیارد دلار می‌رسد.

وی می‌گوید: دنیای وسیعی برای سرمایه‌گذاری در زنجیره کشاورزی ایران وجود دارد. ارزش کل محصولات تولیدی بخش کشاورزی و واردات مواد غذایی سالانه به ۲۸ تا ۳۰ میلیارد دلار می‌رسد، اما به لحاظ نداشتن زنجیره درست تولید، تبدیل، حمل‌ونقل و توزیع، تقریباً ۵ تا ۷ میلیارد دلار ریزش اضافی در بخش کشاورزی وجود دارد.

وی می‌افزاید: با وجود تنوع آب و هوایی، محصولات کشاورزی ایران قادر به رقابت در بازارهای بین‌المللی می‌باشند. قدرت صادراتی وسیعی در بازارهای خارجی وجود دارد و اقتصادی شدن تولید کشاورزی، امنیت کار برای سرمایه‌گذاران خصوصی را فراهم ساخته است. مزیت‌های نسبی فراوانی در بخش کشاورزی ایران هست که هنوز دست‌نخورده باقی مانده و می‌تواند برای سرمایه‌گذاران جذابیت داشته باشد.

می‌گوید: از حدود چهارصد میلیارد مترمکعب آب رودخانه‌ها و منابع زیرزمینی، اکنون ۹۲ میلیارد مترمکعب قابل بهره‌برداری است و با احداث و تکمیل سدهای در دست اجرا این میزان به ۱۱۲ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. بیشترین میزان اتلاف آب در بخش کشاورزی است. تقریباً ۸۰ درصد منابع آب کشور در بخش کشاورزی با بازدهی ۳۰ تا ۳۲ درصد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وی درباره چگونگی بهره‌گیری از سیستم‌های نوین آبیاری می‌گوید: قرار است سالانه چهار هزار هکتار از اراضی کشاورزی به سیستم آبیاری تحت فشار مجهز شود. با توجه به اقتصادی شدن تولید بخش کشاورزی، حتی با احتساب هزینه‌های ارزی (با نرخ هر دلار معادل ۴۰۰۰ ریال) نیز بیش از یک میلیون متقاضی برای اجرای طرح وجود دارد، متأسفانه بخش صنعت کشور پاسخگو نیست.

وزیر کشاورزی درباره الگوی مصرف

به‌ندریج فراموش می‌شود.

دکتر کلانتری می‌گوید: با روند کنونی رشد تولید محصولات کشاورزی در پایان برنامه دوم به وضعیت کشاورزی سال ۵۸ می‌رسیم، البته توان اقتصادی کشاورزان بهتر شده است. تشکل‌های کشاورزی نیز روزبه‌روز بیشتر می‌شود و حتی این نگرانی وجود دارد که در آینده کشاورزان به مصرف‌کنندگان اجحاف کنند.

○ در حالی که تقریباً ۸۰ درصد منابع آب کشور در بخش کشاورزی با بازدهی ۳۰ تا ۳۲ درصد بهره‌برداری می‌شود، هزینه تأمین آب تقریباً نیمی از هزینه تمام‌شده تولید محصولات کشاورزی را تشکیل می‌دهد. بهره‌گیری از سیستم‌های نوین آبیاری ضرورت دارد، اما صنعت کشور پاسخگوی نیاز متقاضیان استفاده از روش‌های آبیاری تحت فشار نیست.

وی درباره مشکل تأمین آب کشاورزی

توجه به تأمین منابع مالی موردنیاز سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، بسیار ضروری است. برای توسعه بخش کشاورزی یک برنامه دقیق و همه‌جانبه مورد نیاز است، تا بهره‌برداران و سرمایه‌گذاران این بخش با توجه به مسایل زیست‌محیطی و دقت در نظام بازار جهانی محصولات کشاورزی، فعالیت خود را گسترش دهند.

ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری کلان و تولید در مقیاس بزرگ در بخش کشاورزی، ضرورت دارد. سرمایه‌گذاری در این بخش باید از سوی دولت و بخش خصوصی، توسعه یابد. استفاده از سیستم‌های آبیاری تحت فشار در شرایطی که اتلاف آب در بخش کشاورزی بسیار زیاد و سهم آن در هزینه تولید حدود ۵۰ درصد می‌باشد، باید گسترش یابد و در این زمینه بخش دولتی و خصوصی با همکاری یکدیگر و حمایت سیستم بانکی می‌توانند فعال شوند.

به منظور کاهش ضایعات مواد غذایی، طراحی و معرفی الگوی صحیح مصرف و اصلاح زنجیره تولید بخش کشاورزی (تولید، بسته‌بندی، حمل و نقل و توزیع) ضروری به نظر می‌رسد. □



ماحصل بحث:

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت با وجود آنکه در دو برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تأکید بر محدودیت توسعه بخش کشاورزی شده است، اما توجه واقعی به این بخش صورت نگرفته و سرمایه‌گذاری در این بخش اگرچه به تأمین امنیت غذایی کمک می‌کند و بازده مناسبی نیز دارد، بسیار ناچیز است.

○ با وجود تأمین ۳۹۰۰ کیلوکالری برای هر فرد از طریق تولید و واردات مواد غذایی، به‌علت ریزش اضافی در بخش کشاورزی، در رساندن ۲۳۰۰ کیلوکالری به هر فرد، مشکل داریم.

وی با اشاره به کمبود ظرفیت در صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی گفت: به لحاظ کمبود ظرفیت از ۵ میلیون تن تولید شیر کشور، فقط یک میلیون تن به کارخانه‌ها می‌رسد و بیش از ۷۰ درصد شیر تولیدی وارد صنایع تبدیلی نمی‌شود. همچنین کمبود ظرفیت سبب شده که از ۶۰۰ هزار تن گوشت تولیدی، حدود ۳۰۰ هزار تن آن به صورت غیربهداشتی و تفکیک‌نشده عرضه شود.

ظرفیت صنایع تبدیلی میوه و سبزی‌ها نیز حدود ۵۰۰ هزار تن می‌باشد، در حالی که میزان تولید انواع سبزی، صیفی و میوه در ایران، سالانه ۲۱ میلیون تن می‌باشد.

